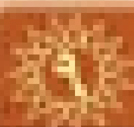
مجموعه زندگانی چهارده معصوم (علیهم السلام)



امام موسی کاظم علیه السلام

ویژه نوجوانان

بسم الله الرحمن الرحیم

امام کاظم علیه السلام

نویسنده:

واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام کاظم علیه السلام

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : امام موسی کاظم علیه السلام مجموعه زندگی چهارده معصوم علیه السلام/تالیف واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۸ مشخصات ظاهری : [۲۴]ص فروست : مجموعه زندگانی چهارده معصوم علیه السلام ویزه نوجوانان؛ ۹ وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت) شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۲۶۶۶۵

نام: موسی

لقب: کاظم کنیه: ابوالحسن نام پدر: جعفرعلیه السلام نام مادر: حمیده تاریخ تولد: ۷ صفر سال ۱۲۸ هق محل تولد: ابواء

مدت حکومت: ۳۵ سال مدت عمر: ۵۵

تاریخ شهادت: ۶ یا ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هق نام قاتل: هارون با زهر

مرقد: کاظمین در کشور عراق

امام کاظم علیه السلام

امام کاظم علیه السلام در روز یکشنبه هفتم صفر سال ۱۲۸ و بنا به قولی ۱۲۹ ه.ق در ابواء - محلی بین مکه و مدینه - به دنیا آمد. پدر بزرگوارش امام جعفرصادق علیه السلام پس از بازگشت به مدینه به خاطر این تولد فرخنده با خوشحالی فراوان فرمود: «خدای متعال به من پسری عطا نمود که بهترین خلق خداست» امام علیه السلام سه روز پیاپی ولیمه (غذا) به مردم داد.(۱)

امام موسی بن جعفرعلیه السلام دارای قد و قامتی مناسب و زیبا، صورتی گندمگون، سبزه و نورانی بود. موهایش مشکی، چهره اش با صفا و ملکوتی که نور الهی و جلوه معنویت از سیمای بهشتی او خودنمایی می نمود.(۲)

آن حضرت حدود بیست سال با پدر بزرگوارش امام صادق علیه السلام زندگی نمود، و در محضر آن امام معصوم علیه السلام پرورش یافت و علم و پرهیزکاری را آموخت و خود نمونه و الگو گردید.

آثار بزرگی و عظمت از همان کودکی در چهره اش معلوم بود. یعقوب سرّاج می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رفتم، دیدم که در کنار گهواره ی پسرش موسی علیه السلام ایستاد و با او صحبت نمود، پس از آن که سخنانش تمام شد به نزد ایشان رفتم، به من فرمود: نزد مولایت در گهواره برو و به او سلام کن. من کنار گهواره رفتم و سلام کردم، موسی بن جعفرعلیه السلام با صدایی شیوا و رسا، جواب

سلام من را داد.

موسی بن جعفرعلیه السلام با علم و استعداد عظیم الهی توانست در محضر پدر به درجات بالای علمی، معنوی و سیاسی دست پیدا کند، در علم و دانش به مقامی دست یافت که کسی همتای وی نبود. و بعد از پدر بزرگوارش با کمک خداوند یگانه، امام و پناه شیعیان و پیروان اهل بیت علیه السلام شدند.

موسی بن جعفرعلیه السلام در برخورد با حاکمان و خلفای ستمگر، همانند پدر بزرگوارش به شکل های مختلف با آنها برخورد نمود.

سیره رفتاری امام کاظم علیه السلام در محیط خانواده

زندگی امام موسی بن جعفرعلیه السلام، به خصوص در منزل مثل روش جدّ گرامیش حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله، امام علی علیه السلام و پدران بزرگوارش بود. او با فرزندان و اهل منزل خود با مهربانی و با محبت رفتار می نمود. در این بخش به روایاتی از کلام امام کاظم علیه السلام اشاره می کنیم که آن حضرت روش زندگی را به شیعیان آموخته و همه را به پیروی و رعایت آنها تشویق می کند.

۱- برخورد مساوی و عادلانه با فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل می کند: روزی مردی به همراه دو فرزندش خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله رسید، پیامبرصلی الله علیه وآله که برخوردهای پدر با فرزندانش را زیر نظر داشت، متوجه شد که آن مرد، یکی از دو فرزندش را می بوسید و به دیگری اعتنایی نمی کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از چنین فرق گذاشتن و رفتار ناپسند آن مرد نارحت شد و فرمود:

چرا در محبت نمودن نسبت به فرزندان خود به طور مساوی برخورد نمی کنی؟(۳)

۲- امام موسی بن جعفرعلیه السلام می فرماید: مردی در حالی که فرزندش همراهش بود از حضرت

رسول اکرم صلی الله علیه وآله پرسید، حقّ این فرزند چیست؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: نام نیکو برای او انتخاب کنی و به زیور آراسته اش نمایی، و به کار خوب و مناسبی بگماری.

۳- شخصی خدمت امام کاظم علیه السلام رسید و از فرزندش که حرف او را گوش نمی داد، گِله و شکایت نمود، و از امام صلی الله علیه وآله در بهتر تربیت کردن فرزندش کمک و راهنمایی خواست. امام علیه السلام فرمود: فرزندت را کتک مزن، ولی برای تنبیه با او قهر کن، امّا مراقب باش قهر تو طولانی نشود.

سخاوت امام کاظم علیه السلام

۱- روزی فقیری نزد آن حضرت آمد و پس از این که خود را تهی دست معرفی نمود، گفت: اگر صد درهم داشتم با آن کسب و کاری فراهم می کردم و از این تندگستی نجات پیدا می کردم. امام علیه السلام با چهره ای گشاده و خندان به او فرمود: من از تو یک سؤال می کنم، اگر پاسخ دادی ده برابر آن را به تو خواهم داد.

فقیر گفت: بپرس امام علیه السلام فرمود:اگر بخواهی در دنیا آرزویی کنی، چه آرزو می کنی؟ فقیر گفت: آرزو می کنم خداوند من را کمک کند که بتوانم به برادران دینی خودم کمک کنم و برای حفظ جان آن ها از خطر دشمن سعی و تلاش نمایم. امام علیه السلام فرمود: چرا دوستی ما خاندان را آرزو نمی کنی؟

فقیر گفت: این دوستی در وجودم هست و خدا را به خاطر داشتن این دوستی و محبت سپاس می گویم ولی آنچه را که ندارم آرزو می کنم.

امام علیه السلام فرمود: پاسخ نیک و خوبی دادی، آفرین! آن گاه دو هزار درهم به او داد و به او فرمود: این پول را در تجارت

و خرید و فروش مازو (دانه هایی که برای رنگ کردن به کار می برند) استفاده کن، چون این کالا خشک است و کمتر آسیب می بیند. فقیر همین کار را انجام داد و زندگی او خیلی خوب شد.

۲- عیسی بن محمّد بن مغیث که یکی از کشاورزان با سابقه و با تجربه ی مدینه بود و نود سال از عمرش می گذشت، می گوید: یک سال من در اطراف مدینه صیفی کاری (سبزی کاری) خوبی داشتم، امّا هنگام رسیدن و برداشت محصول، دسته های زیادی از ملخ ها به محصولم حمله کردند و همه آن را نابود کردند، من ۱۲۰ دینار به اضافه قیمت دو شتر خسارت دیدم و از این حادثه خیلی نارحت و غمگین بودم.

واقعه را برای مولایم گفتم. امام علیه السلام فرمود: چقدر خسارت دیده ای؟ من مقدار آن را گفتم. امام علیه السلام در همان لحظه به یکی از خدمتکارانش به نام عرفه فرمود: ۱۵۰ دینار به اضافه دو شتر به عیسی بن مغیث تحویل بده و او نیز چنین کرد. عرض کردم، از شما تقاضا دارم وارد زمین شوید و برایم دعا کنی. امام علیه السلام وارد زمین شد و دعا کرد.

ابن مغیث می گوید: من با آن دو شتر، در آن زمین بلا دیده کار کردم و به موقع به آبیاری آن پرداختم، و خداوند برکت داد و محصول سرشاری به دستم آمد که آن را به هزار دینار فروختم.(۴)

بخشندگی امام علیه السلام

یکی از خصوصیات مهم و آشکار امام هفتم علیه السلام، بذل و بخشش و سخاوت آن حضرت است. همه این موضوع را قبول دارند که امام کاظم علیه السلام، در سخاوت و بخشندگی، بهترین عصر خود بود، ایشان درآمدی را که حاصل دسترنج

و زحمت خودش از کار کشاورزی بود در اختیار نیازمنـدان و بیچارگان واقعی قرار می داد. سـخاوت او آنقدر زیاد بود که به صورت ضـرب المثلی درآمـده بود و مردم به یکدیگر می گفتند: تعجب باید کرد از کسـی که کیسه بذل و بخشـش و کمک های موسی بن جعفرعلیه السلام به او رسیده باشد امّا باز بگوید که من فقیر و تنگدست هستم.(۵)

شیعیان به امام موسـی کاظم علیه السلام باب الحوائج می گویند: یعنی چون ایشان در نزد خداوند جایگاه و مقام بزرگی دارد، از آن حضرت می خواهند که با لطف و توجّه و اراده ی خدای مهربان، خواسته هایشان را برآورده نماید.

برخورد با دشمنان

دشمنی برخی از افراد با ائمه معصومین علیه السلام در آن زمان می تواند به خاطر دو علّت بوده است:

۱- یـا از روی آگاه نبودن و نادانی آنها بوده است که در این بین، نقش دشـمنان واقعی ائمه اطهارعلیهما السـلام در معرفی بی تاثیر نبوده است در نتیجه این افراد با کوچک ترین هـدایت و راهنمایی و دیدن چهره واقعی و نورانی ائمه اطهارعلیهما السـلام از دشمنی خود دست برداشته و در شمار دوستداران آن بزرگواران قرار می گرفتند.

۲- و یا از روی دشمنی و لجاجت بود و به بیان قرآن از روی حسادت و دیگر این که طرف داری های قومی و قبیله ای هم در این موضوع نقش داشته است، آنها با علم و آگاهی از شخصیت بی نظیر و الهی امامان علیه السلام چون آنها را مانع رسیدن به ثروت و قـدرت می دیدنـد در نیجه به دشـمنی با آنان پرداخته و با تبلیغات، مردم را به مخالفت با آنها شورانیده و تخم کینه را در دل آنان می کاشتند. تا آنجا که بعضی

از حاکمان اموی همچون معاویه، کینه و دشمنی اهل بیت، خصوصاً امام علی علیهما السلام را از دوران کودکی در بین مردم قرار داده بودند و سبّ (ناسزا گفتن) حضرت علی علیه السلام را به عنوان ذکر واجب بعد هر نماز قرار داده بودند.

برخورد امامان معصوم علیه السلام با این دو گروه متفاوت بوده است؛

با گروه اوّل با بردباری و خوشرویی و بعضی از اوقات با اهدای کمک های مالی با آنها برخورد می نمودند، و با گروه دوم با شدت و تندی مقابله می کردند که به چند نمونه اشاره می کنیم:

۱- شیخ صدوق نقل می کند: هارون الرشید از جادوگر و ساحری خواست تا در مجلسی که امام موسی بن جعفرعلیه السلام حضور دارد، سحر و جادو کند و امام را درمانده سازد. او در آن مجلس، چند نان را جادو کرد. تا هر نانی را که امام علیه السلام برمی دارد از مقابلش دور شود. هارون از این اقدام به وَجد آمد.

حضرت بدون وقفه سر بلند کرد و به نقش شیری که در پرده بود، فرمان داد که: ای شیر خدا! دشمن خدا را بگیر. در همان حال نقش شیر به شیری زنده تبدیل شد و ساحر را بلعید و خورد.

هارون و یارانش از ترس بر زمین افتادند. چون هارون به هوش آمد، از امام علیه السلام خواست تا ساحر را به حال قبل بازگرداند. امام علیه السلام پاسخ داد: اگر عصای موسی ریسمان ها و عصاهای بلعیده ساحران را باز گرداند، او هم این مرد را برمی گرداند(۶)

۲- هارون به امام کاظم علیه السلام عرض کرد: فدک را تحویل بگیر، تا من آن را به شما بازگردانم. امام علیه السلام قبول نکرد، تا این که

هارون بسیار اصرار نمود.

پس امام علیه السلام فرمود: من آن را جز با حدود آن نخواهم گرفت. هارون گفت: حدود شما کجاست؟ امام علیه السلام فرمود: اگر حدود آن را بگویم نخواهی داد: هارون گفت: به حقّ جدت سوگند آن را می دهم.

امام علیه السلام فرمود: امّا حدّ اوّل آن عدل است. در اینجا رنگ هارون تغییر کرد و گفت: چی؟ امام علیه السلام فرمود: حدّ دوم آن سمرقند است. هارون از جا برخاست.امام علیه السلام فرمود: حدّ سوم آن آفریقا است. چهره هارون رو به سیاهی می گرایید. امام علیه السلام فرمود: و حد چهارم آن کناره دریا از طرف جزایر تا کشور روم.

هارون گفت: با این وضع، برای من چیزی باقی نمی ماند، پس برخیز و بر جای من تکیه بزن. امام علیه السلام فرمود: من به تو خبر دادم که اگر حدود آن را باز گویم تو آن را نخواهی داد.(۷)

امام با گفتن این جملات می خواست به وی بفهماند که شما شایسته ولایت و سرپرستی مردم و اجرای احکام الهی نیستید و به زور و نیرنگ آن را بدست آورده اید.

شهادت

از آن جایی که روز به روز طرفداران و دوست داران امام علیه السلام افزوده می شد، به دستور هارون، امام موسی کاظم علیه السلام را زندانی کردند و از یک زندان به زندان دیگری می بردند و آن حضرت را در شرایط سخت تری قرار می دادند. اگر چه امام علیه السلام سال های زیادی از عمر پربرکتش را در زندان سپری نمود ولی ایشان حتّی از داخل زندان هم پیام هایش را برای شیعیان و مومنان می فرستاد، ایشان در طول این سالها شاگردان زیادی را تربیت نمودند، شاگردانی که امروز هر کدام از آنها جزء دانشمندان و

شخصیت های بزرگ جهان اسلام به شمار می آیند، بزرگانی چون: ابن ابی عمیر، صفوان بن یحیی، علی بن یقطین، صفوان بن مهران و...

هارون که دید حتّی با زندانی کردن حضرت هم به مقصودش نرسیده است، روزی به یکی از زندان بان های فریب خورده خودش دستور داد تا امام موسی کاظم علیه السلام را مسموم کند، سرانجام امام علیه السلام مسموم شد و در بیست و پنجم ماه رجب سال صد و هشتاد و سه هجری قمری در زندانی در بغداد به شهادت رسید و شیعیان بدن مطهرش را در کاظمین به خاک سپردند.

عمه سادات

یکی از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام می باشد، آن حضرت در اول ذی القعده سال ۱۷۳ هجری قمری در شهر مدینه و در خانه با صفای امام کاظم علیه السلام به دنیا آمد.

نجمه مادر حضرت از این تولد بسیار خوشحال بود که خداوند چنین دختری به ایشان و خواهری با محبّت به امام رضاعلیه السلام عطا نموده است.

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام زیر سایه ی پر مهر پدر و مادر و در کنار برادر دلسوز و مهربانش امام رضاعلیه السلام روز به روز بزرگ تر شد و چیزهای تازه ای آموخت.

دوران زندگانی امام هفتم علیه السلام با ایّام زمامداری پنج خلیفه ستمگر خاندان عباسی هم زمان بود و هر کدام از آنها به شکل های گوناگون حضرت را مورد آزار و شکنجه قرار می دادند که سرانجام به دستور هارون زندانی و سپس به شهادت رسید.

پس از شهادت امام موسی کاظم علیه السلام حضرت رضاعلیه السلام به امامت رسید، ایشان همانند پدر بزرگوارش به انجام وظایف الهی و گسترش حق و حقیقت و رهبری امّت اسلامی پرداخت و این موجب ناراحتی

مامون یکی دیگر از خلیفه های ظالم عباسی شد، وی بعد از مرگ پدرش هارون به خلافت رسیده بود.

مامون چون از قدرت و علاقه زیاد مردم به امام رضاعلیه السلام می ترسید، تصمیم گرفت مردم را فریب داده و خود را در ظاهر دوست دار امام معرفی کند، در نتیجه امام رضاعلیه السلام را جانشین خود معرفی نمود، امام که از نقشه ی وی آگاه بود پیشنهاد وی را نپذیرفت، ولی به ناچار، ایشان از مدینه به سمت مرو حرکت نمود.

با رفتن امام رضاعلیه السلام لحظه های شیرین زندگی حضرت معصومه علیها السلام هم پایان پذیرفت، چون بهترین پناهگاه خود را از دست داده بود.

هجرت حضرت معصومه علیها السلام از مدینه یک سال از سفر امام رضاعلیه السلام به مرو گذشت، خاندان پیامبرصلی الله علیه وآله در این مدت از دیدار امام محروم بودند و چیزی جز زیارت دوباره ی حضرت دل های غمدیده ی آنها را نمی توانست آرام کند.

فاطمه ی معصومه علیها السلام نیز از دوری برادر بی تابی می نمود تا اینکه نامه ای از جانب امام رضاعلیه السلام برای ایشان فرستاده شد.

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام پس از دریافت نامه ی برادر با شوقی فراوان بار سفر بستند و با گروهی از نزدیکانشان به طرف مرو حرکت نمودند.

کاروان عاشقان امام رضاعلیه السلام به پیش می رفت و جز برای نماز و غذا و استراحت، لحظه ای از حرکت باز نمی ایستاد تا اینکه با دشواری و سختی بسیار زیاد، کاروان به سرزمین ایران رسید و در شهر ساوه بود که حضرت معصومه علیها السلام دچار بیماری سختی شد و دیگر توانایی ادامه سفر را نداشت.

این پرسش که آیا دختر امام موسی کاظم علیه السلام می تواند برادرش را در مرو زیارت کند، او

را سخت نگران نموده بود.

به هر حال وقتی آن بانوی بزرگوار حال و روز خود را چنین دید، تصمیم گرفت به شهر قم که در آن روزگار هم پناهگاه خاندان پیامبرصلی الله علیه وآله بود، برود.

مردم قم با خوشحالی زیاد به استقبال ایشان رفتند و خدمتگزاری شایسته ای انجام دادند و به سرعت وسایل مورد نیاز کاروان را فراهم نمودند.

اما در نهایت به خاطر شدت بیماری در خانه موسی بن خزرج که در هر حاضر به «بیت النور» شهرت دارد و محل عبادت حضرت بوده است چشم از جهان فرو بست و در حالی که اشک در دیده و غم دوری برادر را به دل داشت، از دنیا رفت.

مردم قم در این مصیبت همگی عزادار شدند و به سوگ و ماتم نشستند و با احترام بسیار پیکر مطهر حضرت معصومه علیها السلام را در مکان فعلی به خاک سپردند.

پاداش زیارت حضرت معصومه علیها السلام

اهل بیت علیهم السلام درباره ی زیارت این بانوی بزرگوار به شیعیان سفارش نموده و برای آن پاداش و ثواب بسیاری بیان فرموده اند.

امام صادق علیه السلام می فرماید(۸): به زودی بانویی به نام فاطمه از خاندان من در قم دفن می شود، هر کسی او را زیارت کند بهشت بر او واجب خواهد شد.

امام رضاعلیه السلام می فرماید: هر کسی او را زیارت کند بهشت از آن اوست.

امام جوادعلیه السلام می فرماید: هر کسی عمّه مرا در قم زیارت کند بهشت از آن اوست.

پی نوشت ها

۱) بحار ج ۴۸ ص ۴

۲. کتاب «فصول المهم»

۲) ۲. کتاب «فصول المهم»

۳) بحار ج ۱۰۴ ص ۹۷

۴) کشف النمه ج ۳

۵) الطالب ص ۱۸۵

۶) عیون اخبار الرضا»

۷) مناقب»

۸) ۱ و ۲ و ۳ بحار الانوار ج ۱۰۲ صفحه ۲۶۷

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه اصفهان



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹